

تش زدايي و اعتماد سازي دو اصل مهم در سياست خارجي کشور

سرمقاله

اعتماد مردم،

بزرگترین پشتوانه دولت

محمد رضا هویدا

مردم پایه های حکومت هستند. در تاریخ جهان کشورهای زیادی دیده شده که با تکیه بر حمایت، باور، اراده جمعی، وحدت و یکپارچگی مردم شان بر سخت ترین مشکلات فایز آمده، سخت ترین شرایط را پشت سر گذاشته، از خاکستر جنگ برخاسته و تبدیل به کشورهای مدرن، مترقی و پیشرفته اند. در مقابل کشورهای بزرگ و تمدن های مشهور به دلیل وجود فاصله عمیق میان مردم و دولت، نخبگان و عوام، گروه های سیاسی، اقوام و مناطق مضمحل شده و از بین رفته اند.

یکی از مهمترین دستاوردهای نظام دموکراسی در افغانستان که بعد از سقوط حکومت طالبان به وجود آمد، امیدواری و خوشبینی نسبت به آینده کشور بود. همین امر سبب شد تا موج عظیمی از مهاجرین به سوی افغانستان عودت کنند، سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری در عرصه های مختلف سرمایه گذاری کنند، مکاتب و دانشگاه ها باز شوند، و کودکان و جوانان با شوق و علاقه به تعلیم و تحصیل بپردازند. ده ها هزار جوان به صفوف اردو و پولیس ملی پیوستند و با در دست گرفتن تفنگ، آماده برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی کشور گشتند. البته شعارهای کشورهای حاضر در جنگ علیه تروریسم، و موجی که در رسانه های گروهی ایجاد شده بود، و سراسر شوق و ذوق برای از بین بردن طالبان که نمادی از تبااهی و تاریکی بود و استقرار حاکمیت جدید که روشنی، امید و پیشرفت پنداشته می شد، نقش ویژه ای داشت. تمامی این امیدواری ها با کارکرد ضعیف، نادرست و شدیداً فاسد حکومت گذشته رو به افول گذاشت و با انتخابات ریاست جمهوری که باندی و ناگامی را در خود داشت، به اوج رسید. برآمد انتخابات حاشیه دار و مسئله دار ریاست جمهوری حکومت وحدت ملی بود که برای مردم افغانستان کاملاً غیر منظره بود.

با همه اینها مردم به شعارهای انتخاباتی باور کردند، و با وجود همه کاستی ها به حکومت وحدت ملی خوشبین بوده اند، در کنار این حکومت ایستاده اند و برای آینده شان کار و تلاش می کنند. با آغاز حکومت وحدت ملی، چند مشکل عمده نیز قوت یافت؛ یکی اینکه جغرافیای جنگ به شدت گسترش یافت و شمال در آتش جنگ و خشونت فرو رفت، و دیگر اینکه اختلافات سیاسی به خصوص با تقسیم شدن قدرت میان دو تیم برنده انتخابات، شدت یافت. بار مسئولیت هر دو مورد را نمی توان تنها بر دوش دولت وحدت ملی انداخت، چرا که دو مورد نتایج کار حکومت گذشته بود. زنگ هشدار گسترش جنگ به شمال از سالهای پیش به صدا در آمده بود و حکومت گذشته، به نوعی با اهمال و سهل انگاری با موضوع برخورد کرده بود. در پشت سر بسیاری از اختلافات سیاسی کنونی نیز دست های پنهان بسیاری از گروه های سیاسی دیده می شد که نمی خواستند دولت وحدت ملی با خیال حکومت کنند.

دولت وحدت ملی با سردادن شعارهای بزرگ انتظارات مردم را برای داشتن حکومت خوب و حاکمیت مسئول زنده کرده است، ولی در عمل مردم نتیجه ای ندیده اند. در عین حال دولت وحدت ملی با تقسیم کردن فرصت های شغلی و کاری و منابع و عواید دولتی بین دو تیم پیروز، از یک سو، و از نسوی دیگر با تمرکز گرایی شدید دولت، فاصله میان دولت و مردم را بیشتر می سازد. مردم هنوز از یاد نبرده اند که حکومت از توزیع تذکره الکترونیکی به عنوان یک اولویت به مردم اطلاعیه ای داد و از اصلاح نظام اداری افغانستان و مبارزه با فساد، توزیع عادلانه قدرت و ثروت برای همه مردم افغانستان به عنوان اصول غیر قابل عبور یاد می کرد. اما عملاً هیچ یک از این ها اجرا نشد و دولتمردان بیشتر از آنکه برای تحقق شعار کار کنند برای توجیه ناکارآمدی ها کوشش کردند.

دولت وحدت ملی با وجود تمامی کاستی های خود، باید برای نزدیک شدن به مردم توسط عملی ساختن شعارها، و تحقق آرزوها و اهداف مردم تلاش کند. اعتماد مردم هر چند رو به کاهش است، ولی می تواند توسط کار و عمل صادقانه و متعهدانه رو به صعود برود.

پانزده سال گذشته بهترین فرصت برای دولتمردان افغانستان بود، تا از حمایت ها و کمک های جامعه جهانی برای نظام سازی، ملت سازی، توسعه و نوسازی کشور استفاده می کردند. افغانستان کشور عقب مانده با مردمان فقیر، صبور و قناعت پیشه است. میلیاردها دالر کمک جامعه جهانی برای افغانستان در صورتی خوب مدیریت می شد و در منجلاب فساد و سو استفاده های شخصی از بین نمی رفت، می توانست تحول مهم و شگرفی را در اداره، فرهنگ و اقتصاد کشور به وجود می آورد و این تحول زمینه را برای توسعه و پیشرفت مداوم اقتصادی و سیاسی افغانستان فراهم می آورد.

متأسفانه کشورهای کمک کننده از لحاظ آماری کمک های قابل توجهی را به افغانستان اختصاص دادند، ولی استراتژی و برنامه های مشخصی برای مصرف کمک ها ارائه ندادند. کمک های جامعه جهانی در حالی به افغانستان اوری می گردید که نه برنامه سنجیده شده ای برای مصرف آنها وجود داشت و نه نظارتی بر چگونگی مصرف کمک ها. در فضای جنگ، نا امنی و ضعف حاکمیت سیاسی، جامعه جهانی از یک طرف حکومت افغانستان را ضعیف و غیر قابل اعتماد ارزیابی می کردند و کمک ها را در اختیار دولت افغانستان قرار نمی دادند؛ از سوی دیگر خود برای مصرف پایتیه کمک ها برنامه های سوسمندی و متخصص مسلکی و متخصص مواجه بود، امروز ما باید یک حکومت قوی نیرومند داشته باشیم و امروز باید افراد مسلکی و متخصص و متعهد، پست های دولتی را اشغال کنند، امروز باید ادارات و نهادهای اساسی تأسیس گردیده بود، انتظار این بود که این دولت بتواند با تدوین استراتژی ملی، سمت و سوی کمک ها را در جهت بازسازی زیربنای اقتصادی سوق دهد و سیاست های ملی بیشتر به سمت خود کفایی و خود اتکایی ملی جهت داده شود، اما در این دوره با تأسف که بدترین، بی خاصیت ترین و غیرپاسخگو ترین دوره حکومتداری رقم خورد و در سایه این ضعف و ناکارایی، هیولای فساد فری برتر شد و تارهای عنکبوتی آن تمامی ادارات و حنا شبکه های اجتماعی و غیر دولتی را آلوده کرد.

بخش عمده از مشکلاتی که امروز مردم افغانستان به آنها مواجه می باشند، میراث شومو بیجا مانده از حکومت قبلی می باشد؛ خود را به خوبی انجام داده و از کارکردهای خود بربر مردم دفاع کنند.

مردم نمی توانند برای همیشه محتاج



رضا احسانی

کمک های خارجی باقی بمانند و کشورهای خارجی هم نمی توانند برای همیشه به افغانستان کمک کنند. این کمک ها همانطوری که همه ساله کاهش می یابد، روزی قطع خواهند شد. مردم افغانستان باید برای آن روز خود آمادگی داشته باشند و بتوانند بدون کمک های خارجی نیازمندی های زندگی خود را مرتفع سازند.

از سال ۲۰۰۶ به بعد که پایه های دولت با حمایت جامعه جهانی استوار شده بود، و نهادهای اساسی تأسیس گردیده بود، انتظار این بود که این دولت بتواند با تدوین استراتژی ملی، سمت و سوی کمک ها را در جهت بازسازی زیربنای اقتصادی سوق دهد و سیاست های ملی بیشتر به سمت خود کفایی و خود اتکایی ملی جهت داده شود، اما در این دوره با تأسف که بدترین، بی خاصیت ترین و غیرپاسخگو ترین دوره حکومتداری رقم خورد و در سایه این ضعف و ناکارایی، هیولای فساد فری برتر شد و تارهای عنکبوتی آن تمامی ادارات و حنا شبکه های اجتماعی و غیر دولتی را آلوده کرد.

بخش عمده از مشکلاتی که امروز مردم افغانستان به آنها مواجه می باشند، میراث شومو بیجا مانده از حکومت قبلی می باشد؛ خود به این دلیل حکومت فعلی با مشکلات

نیابود و تغییری در زندگی و دسترخوان مردم پدید آورده نتوانست. حال پس از پانزده سال افغانستان همچنان نیازمند کمک های خارجی است و مردم آن با فقر و بیکاری و گرسنگی دست به گریبان می باشند. اگر دیروز حکومت ضعیف بود و ادارات با کمبود پرسنل مسلکی و متخصص مواجه بود، امروز ما باید یک حکومت قوی نیرومند داشته باشیم و امروز باید افراد مسلکی و متخصص و متعهد، پست های دولتی را اشغال کنند، امروز باید ادارات و نهادهای اساسی تأسیس گردیده بود، انتظار این بود که این دولت بتواند با تدوین استراتژی ملی، سمت و سوی کمک ها را در جهت بازسازی زیربنای اقتصادی سوق دهد و سیاست های ملی بیشتر به سمت خود کفایی و خود اتکایی ملی جهت داده شود، اما در این دوره با تأسف که بدترین، بی خاصیت ترین و غیرپاسخگو ترین دوره حکومتداری رقم خورد و در سایه این ضعف و ناکارایی، هیولای فساد فری برتر شد و تارهای عنکبوتی آن تمامی ادارات و حنا شبکه های اجتماعی و غیر دولتی را آلوده کرد.

بخش عمده از مشکلاتی که امروز مردم افغانستان به آنها مواجه می باشند، میراث شومو بیجا مانده از حکومت قبلی می باشد؛ خود را به خوبی انجام داده و از کارکردهای خود بربر مردم دفاع کنند.

مردم نمی توانند برای همیشه محتاج

همکاری های کشورهای منطقه و تجمع منافع ناهمگون و متضاد آنها در بازسازی و امنیت افغانستان است. رقابت های سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه سبب گردیده است که برخی از کشورها منافع شان را در امنیت، صلح و آبادانی افغانستان جستجو کنند؛ اما برخی دیگر ادامه نا امنی و جنگ در افغانستان را در راستای تأمین منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود شان تعریف کنند. این تعارض تا کنون مانع همکاری در راستای اتخاذ یک سیاست مشترک اقتصادی و امنیتی در منطقه گردیده است.

سیاست افغانستان باید بر محورهای جدید اقتصادی استوار باشد. جلب همکاری های اقتصادی کشورهای منطقه با توجه به نیازمندی های متقابل این کشورها را یکدیگر، سبب خواهد شد تا روند همکاری ها زودتر شکل بگیرد و حساسیت ها و واکنش های کمتری را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر موقعیت ژئواکونومیک افغانستان از طریق همکاری های متقابل منطقه ای، سود سرشار اقتصادی نصیب گردد. ولی اقتضای ایرسجاد همکاری های دراز مدت منطقه ای، تلاش در جهت کاهش تنش های سیاسی میان کشورهای منطقه است. تا زمانی که تنش ها کاهش پیدا نکند و فضای خصومت و بی اعتمادی میان کشورهای منطقه حاکم باشد، زمینه همکاری در زمینه های اقتصادی نیز به وجود نخواهد آمد. حکومت افغانستان باید بر مبنای منافع ملی خود، تلاش کند تا روابط حسنه خود را با همه کشورها حفظ کند. افغانستان تا زمانی که تنش ها کاهش یابد، زمینه رقابت و یا تنش با کشورهای دیگر را تحمل کند. این کشور باید نهایت تلاش خود را به کار گیرد تا از بدتر شدن روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای منطقه جلوگیری کند. تنش زدایی و اعتماد سازی دو اصلی است که باید همواره مورد توجه سیاستگذاران سیاست خارجی کشور قرار گیرد. در پرتو این دو اصل است که از تقابل با کشورها و درگیر شدن در جانش ها و اختلافات منطقه ای، نجات دهد.

بحران امنیتی افغانستان موجب تجدید حیات تروریست ها گشته است

نویسنده: مجیب مشعل و اریک اسکمیت / مترجم: جاعلی شکرعلیزاده

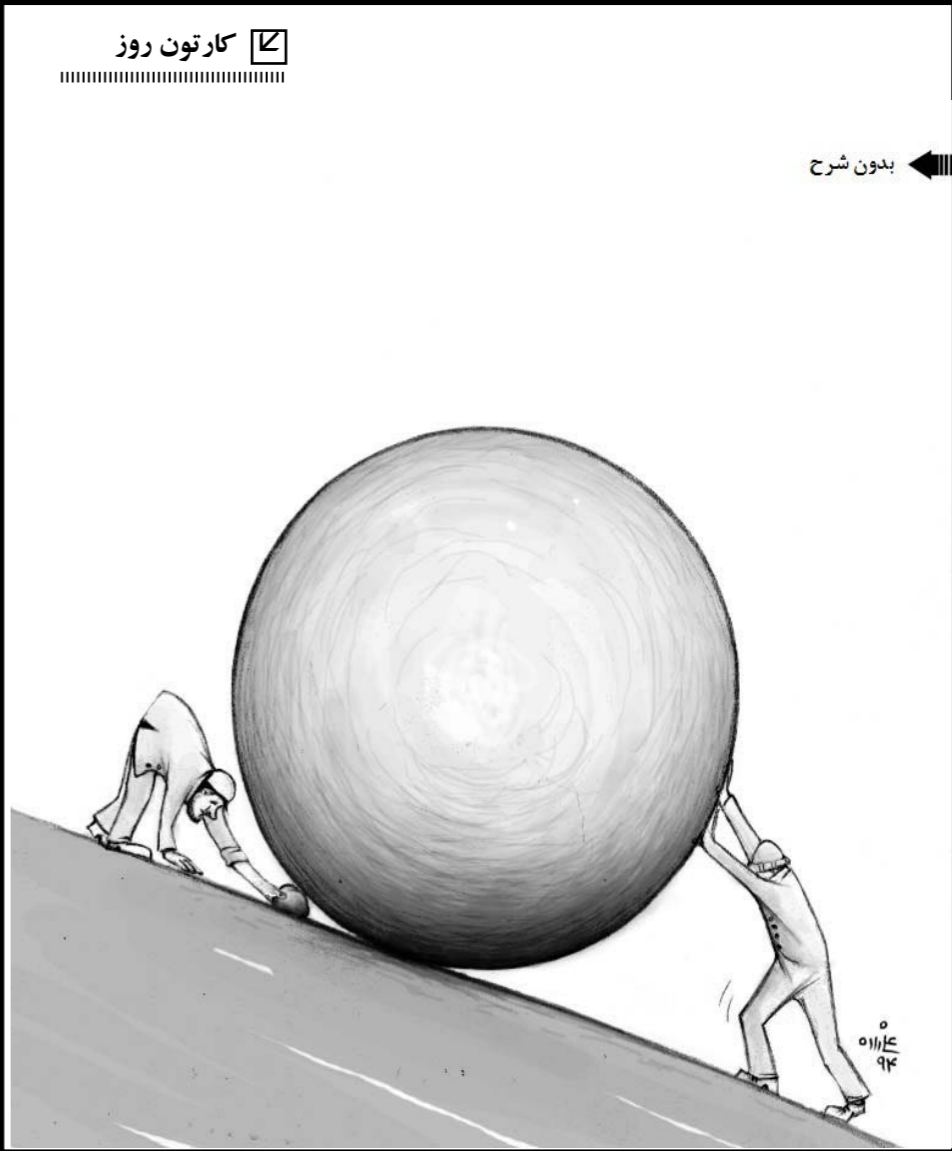
واکتر رهبران آن توسط این طیاره ها مورد هدف قرار داده شده است. یک مقام رسمی مبارزه با تروریسم می گوید یک گروه که بیشترت علاقه به حملات برون مرزی دارد همچنان باقی است و آن القاعده است که حالا بیشتر از اینکه در افغانستان حضور داشته باشد شاخه جدیدی ایجاد کرده به نام القاعده در شبه قاره هند یا AQIS . اتسر گفت هیچ تغییری در اهداف القاعده که نابود کردن غرب و دموکراسی مسلمانان هست نیامده است. تفاوت فقط در این است که حالا آنها سایر شبکه ها را مانند شبکه حقانی و لشکر طیبیه را با خود همراه می سازد . آنها بدنبال منابع خارجی برای کارهایشان هست و این القاعده را بیشتر خطرناک می سازد. هسته القاعده در این منطقه اعضایشان را از دست داده اند تا به داعش بپیوندند. القاعده تعدادی از جنگجویانشان را به سوریه به رقابت با داعش فرستادند و چندین گروه دیگر که بین شان هستند چندین ولسوالی را در شرق ننگرهار برای خودشان حفظ کردند و آنها تماس هایشان برای راهنمایی و کمک مالی با داعش در سوریه و عراق ادامه دارد. شبه نظامیان دولت اسلامی با همان داعش در افغانستان نقش فعالتری به خود گرفتند یک مقام اطلاعاتی امریکا گفت حملات گسترده ای را با تلفات سنگین در میانه تابستان گذشته به شمول انتحاری در افغانستان انجام دادند. داعش به طالبان به چشم رقیب می بیند، طالبان بصورت آشکارا این گروه را مورد انتقاد قرار می دهد و در مواردی با هم درگیر شدند. دو مقام افغان که نخواست نامشان فاش گردد گفتت اینکه طالبان با هم می جنگند و دشمن همدیگر هستند بطور مطلق درست نیست، اگر به سراسر افغانستان بنگریم درست است که آنها در بعضی از مناطق قدرت به دست گیرند و خواهان توسعه و تهدید سایر کشورها نیستند ، و بعضی از مقامات رسمی روسیه به شمول فرستاده ویژه روسیه در افغانستان ضمیر کابلوف آشکارا اذعان کرده است که با طالبان در تماس هستند چنانچه حکومت سقوط کند فرصت به سایر شورشیان داده نشود که به تهدیدی تبدیل گردند، هر چند تأکید کردند که در حال حاضر به طالبان هیچ کمکی نمی کنند. اخیرا شورشیان موفق شدند که مستقیماً ثبات دولت را تهدید کنند، مناطقی را از جنگ دولت خارج می کنند و سایر گروههای شورشی از این مناطق ازاد شده بهره می برند.



افزایش تمرکز ایالات متحده کشور را در کنترل دارد و طالبان در حدود ۱۰ فی صد با نوسان در اختیار دارد و مابقی جایی است که در حال درگیری هستند اینکه کدام گروه یا گروه هایی این مکان های که رقابت بر سر تصرف آن وجود دارد بگیرد چیزی است که ما در تلاشیم آن را بدست آوریم.

این جنرال امریکایی در یک نشست امنیتی که این هفته در واشنگتن برگزار شد گفت: «ما باید نگران این موضوع باشیم که طالبان به هم نزدیک تر می شوند آنها با سایر سازمان های تروریستی همکاری می کنند» با این همه مقامات غربی و افغان تخمین زده اند که در حدود ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ شبه نظامی در سراسر افغانستان فعال هستند. حدود سسی هزار از آنها طالب هستند مابقی جنگجویان خارجی از کشورهای مختلف اند، همکاری آنها سیال است اما همیشه در مقابل دولت افغانستان و امریکا و متحدانش با هم هستند.

افزایش تمرکز ایالات متحده بر مبارزه با تروریسم روی گروههای وابسته محلی به



Footer containing contact information for The Daily Afghanistan Ma, including phone numbers, email addresses, and social media links.